

The Role of Teacher Training Centers in Promoting Women Social Status during the Timd of Reza Shah Pahlavi (1925-1941)

AliReza Sangtrashan¹ | Manijeh Sadri² | Hassan Zandieh³ | Masoumeh Gharadaghi⁴

Abstract:

Purpose: Reza Shah's reign was a new stage in the advancement of women's status in Iran. The new government implemented a number of programs in line with the modernization and secularization, one being the establishment of teacher training colleges (Daaneshsara) to provide training female teachers. Such initiatives played a significant role in promoting the status of women.

Method and Research Design: Analysis is based on data gathered from archival and library materials.

Findings and Conclusion: The establishment of girls' teacher training centers played a significant role in increasing women's literacy when graduates were recruited in newly established public schools. The initiative also provided an opportunity for women to enter the public sphere, especially to the government departments and research centers. However, at the early stages this was mainly limited to the upper class members.

Keywords:

Teacher training centers; Iran; Women; Reza Shah Pahlavi (1925-1941).

Citation:

Sangtrashan, A., Sadri, M., Zandiyeh, H., Gharedaghi, M. (2019). The Role of Teacher Training Centers in Promoting Women Social Status during the Timd of Reza Shah Pahlavi (1925-1941). *Ganjine-ye Asnad*, 29(4), 106-139. (In persian)

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

1. PhD Student, Department of History, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Shabestar, I. R. Iran. Jfm.sangtrashan@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Shabestar, I. R. Iran (Corresponding Author). manijehsadri@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, I. R. Iran. Zandiyehh@ut.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Shabestar, I. R. Iran. garadagi_m@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«116»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier (DOI): 10.22034/GANJ.2019.2398

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 4, Winter 2020 | pp: 106 - 139 (34) | Received: 19, Jun. 2018 | Accepted: 23, Jan. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشییوی

کارکرد آموزشی-فرهنگی دارالمعلمت و دانشسراهای دخترانه در دوره پهلوی اول

علی رضا سنگ تراشان^۱ | منیژه صدری^۲ | حسن زندیه^۳ | معصومه قره داغی^۴

چکیده:

هدف: دوره سلطنت رضاشاه مرحله‌ای در ارتقای موقعیت اجتماعی زنان ایران بود. دولت در اجرای برنامه تجدید و سکولاریسم، برنامه‌های متعدد از جمله تأسیس دانشسراهای دخترانه تأسیس کرد که شکل سازمان یافته‌تر دارالمعلمت به شمار می‌رفت. هدف، تأمین و تربیت معلمان زن بود. این ابتکار در آن زمان در ارتقای جایگاه آموزشی و فرهنگی زنان نقش مؤثر داشت. نشان دادن این نقش هدف این مقاله است.

روش/ رویکرد پژوهش: داده‌ها از اسناد و مدارک آرشییوی و کتابخانه‌ای گردآوری و تحلیل شده‌است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: تأسیس دانشسراهای دخترانه سبب افزایش سواد زنان و تأمین آموزگاران زن شد و زمینه ورود زنان را به عرصه عمومی، به ویژه دستگاه اداری و مراکز علمی فراهم کرد. از این رو در ارتقای موقعیت مؤثر بود؛ هرچند در ابتدا عمدتاً به زنان طبقه بالا محدود بود.

کلیدواژه‌ها:

رضاشاه؛ دارالمعلمت؛ دانشسراهای مقدماتی دخترانه؛ آموزش و فرهنگ.

استناد:

سنگ تراشان، علی رضا؛ صدری، منیژه؛ زندیه، حسن؛ قره داغی، معصومه. (۱۳۹۸). کارکرد آموزشی-فرهنگی دارالمعلمت و دانشسراهای دخترانه در دوره پهلوی اول. *گنجینه اسناد*، ۲۹ (۴)، ۱۰۶-۱۳۹.

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شبستر، شبستر، ایران.

jfm.sangtrashan@gmail.com

۲. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد شبستر، شبستر، ایران.

(نویسنده مسئول).

manijehsadri@gmail.com

۳. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران،

ایران.

Zandiyehh@ut.ac.ir

۴. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد شبستر، شبستر، ایران.

garadagi_m@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۶»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۳۳۹۸

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۸ | صص: ۱۰۶-۱۳۹ (۳۴)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۳

تحقیقات تاریخی

مقدمه

در ایران نیز همانند دیگر جوامع بشری، زنان تا قبل از دوران مدرن، عملاً نقش چندانی در نظام فرهنگی و آموزشی نداشتند و ساختار حکومت و عرف جامعه، به زنان در بیرون از خانه اجازه حضور نمی‌داد و کار آنان بیشتر در چارچوب خانه‌داری محدود شده بود. گرچه در قبل و بعد از اسلام در ایران همواره زنانی بوده‌اند که به مقامات بالا رسیده‌اند، ولی در جامعه مردسالار ایرانی، برتری عمدتاً با مردان بوده است. این روند تا اواخر حکومت قاجار ادامه پیدا کرد؛ ولی از این دوره به بعد به علل مختلف از جمله برخورد ایران با ملل غربی و ورود مظاهر تمدن جدید به ایران، دچار تغییراتی شد. موضوع زنان از این دوره مورد توجه روشن‌فکران قرار گرفت و بعد از مشروطه، بیشتر اهمیت یافت. زنان -به‌ویژه از میان اقشار مرفه- به تدریج به عرصه‌های مختلف از جمله آموزش راه یافتند؛ گرچه موانع و محدودیت‌های سیاسی، مذهبی، فرهنگی و ساختار سنتی جامعه، مانع از حضور گسترده زن در بیرون از خانه می‌شد. از اواخر دوره قاجار که مراکز تربیت معلم زن (دارالمعلمات و مدارس دخترانه) تأسیس شد، میزان سواد زنان -البته در مقیاسی پایین‌تر از مردان- سال‌به‌سال افزایش یافت و این مهم در دوره رضاشاه پررنگ‌تر شد.

دوره رضاشاه نویددهنده مرحله‌ای تازه در حیات زنان بود؛ مرحله‌ای که با هدف نوسازی و گسترش سکولاریسم، به عنصر زن توجهی ویژه شد و به انگیزه شکستن ساختار سنتی جامعه و کم‌رنگ کردن موانع سنتی، مذهبی و فرهنگی، تدابیری اتخاذ شد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها تأسیس دانش‌سراهای دخترانه بود. در نیمه دوم حکومت رضاشاه، در نتیجه جنبش مدرسه‌سازی و گسترش نظام آموزشی در مقاطع مختلف (حکمت، ۱۳۵۵، صص ۲۹۰-۳۳۲) و فراهم شدن زمینه تحصیل به‌ویژه برای دختران، وجود آموزگار زن و مرکزی برای آموزش تخصصی زنان برای شغل آموزگاری به یک ضرورت تبدیل شد. در نتیجه به صلاح‌دید حکومت و مسئولان فرهنگی کشور نهادی مستقل برای این کار تأسیس شد. این بود که مراکزی مشابه دانش‌سراهای پسرانه برای دختران هم به وجود آمد. دانش‌سراهای دخترانه تا اواخر دوره رضاشاه در نقاط گوناگون کشور تأسیس شدند و با تربیت و تأمین زنان تحصیل‌کرده، زمینه گسترش سواد را برای زنان و دختران ایرانی فراهم کردند و زنان هم توانستند در عرصه‌های گوناگون هم‌چون ادارات، دانشگاه‌ها و مدارس حضور پیدا کنند. البته این موضوع، عمومیت نداشت و بیشتر مختص به زنان طبقات مرفه در تهران و برخی شهرهای بزرگ آن دوره بود. بررسی نقش دانش‌سراهای دخترانه و مراکز تربیت معلم زن در تغییر و بهبود وضعیت زنان و دختران، به دلیل اهمیت این موضوع، ضروری است.



پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در ارتباط با موضوع زنان در دوره پهلوی، انجام شده است؛ از جمله: کتاب «جنبش حقوق زنان در ایران» نوشته الیز ساناساریان و کتاب «هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی» از محمدحسین خسروپناه، که بیشتر از لحاظ جامعه‌شناختی، تلاش زنان برای احقاق حقوقشان را مطالعه کرده‌اند و تنها اشاراتی گذرا به موضوع آموزش دانش‌سرای زنان داشته‌اند. بدرالملوک بامداد هم در کتاب «زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید» تحولات حیات و سرنوشت زن در آن دوره را مطالعه کرده و بیشتر به موضوع کشف حجاب و پوشش زنان اشاره کرده است. یاسمین رستم‌کلایی در مقاله «آموزش زنان» و رودی ماتی در مقاله «آموزش و پرورش در دوره رضاشاه» هم تنها اشاراتی پراکنده به این موضوع کرده‌اند. در مجموع پژوهش‌های موجود، به طور مستقل نقش دانش‌سراهای دختران بر وضعیت آموزشی-فرهنگی زنان در دوره رضاشاه را بررسی نکرده‌اند.

براین اساس مقاله حاضر بر آن است تا با تکیه بر منابع گوناگون از جمله اسناد و مدارک آرشیوی به نحوه تأسیس دانش‌سراهای دخترانه و نقش آن بر وضعیت زنان و دختران بپردازد و با چنین رویکردی در صدد پاسخ به این پرسش‌هاست:

۱. وضعیت آموزشی و روند تأمین و تربیت معلمان زن قبل از تأسیس دانش‌سرا چگونه بود؟
۲. علل تأسیس دانش‌سراهای دخترانه چه بود و نحوه تأسیس آن‌ها چگونه بود؟
۳. عملکرد دانش‌سراهای دخترانه چه تأثیراتی بر وضعیت آموزشی و فرهنگی زنان داشت؟

روند تربیت دختران دانش‌آموز و آموزگاران زن تا زمان تأسیس دانش‌سرای دخترانه

قبل از دوره پهلوی، زنان در جامعه ایرانی به صورت محدود، نقش ایفا می‌کردند و در جامعه مردسالار عملاً جایی برای حضور فعال آنان وجود نداشت. اساساً در جوامع پیشامدرن، نظام پدرسالار شکل مسلط بوده و تاکنون هیچ موردی یافت نشده است که در آن زنان قدرتمندتر از مردان بوده باشند (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۱۸۷). در عرصه آموزش و تعلیم و تربیت هم این وضعیت با شدت بیشتری جریان داشت. گرچه زنان همواره در جامعه حضور نسبی داشته‌اند، ولی بیشتر به خانه و حرم‌سرا محدود می‌شده‌اند و عمدتاً امور خانواده را انجام می‌داده‌اند (اتحدیه و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۳). از اواسط دوره قاجار و با آغاز فرآیند تجدد، به علت افزایش ارتباط فرهنگی و سیاسی ایران با اروپا به موضوع زنان هم توجه شد و برخی

از فعالان عرصه آموزش و اصلاح‌گران به‌طرفداری از آموزش زنان پرداختند. در شیوه آموزش مکتب‌خانه‌ای در دوره قاجار اکثر متعلمان پسر بودند؛ مدارس هم که اندیشه‌گران ایرانی در ساختار سیاسی استبدادی قرن نوزدهم تأسیس کردند منحصر به پسران بود. (لمبتون، ۱۳۶۸، ص ۱۲۰)؛ زیرا بنابه تعلقات دینی مردم، درس خواندن برای زنان و دختران جایز نبود و مردم به تحصیل زنان در مدارس نظر مثبتی نداشتند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۱۲)؛ ولی به‌تدریج تحت تأثیر عوامل خارجی و تغییر وضعیت داخلی، تحصیل زنان هم توسعه پیدا کرد. مرحله بعد ایجاد مدارس دخترانه بود. نخستین مدرسه دخترانه ایران را خارجیان ساختند. میسیونرهای آمریکایی کلیسای پرسبیتی مدرسه‌ای برپا کردند که دختران مسلمان بعد از چند سال در سال ۱۲۷۵ ش اجازه ورود به آن را از سوی دولت به‌دست آوردند (ساناساریان، ۱۳۸۴، ص ۶۸). مدرسه فرانکو پیرسان را هم در ۱۲۸۷ ش/۱۹۰۸ م یوسف‌خان ریشار (مؤدب‌الملک) تأسیس کرد (شیخ‌زضایی، ۱۳۷۱، ص ۹۶). تأسیس مدارس بانوان نقشی مهم در ارتقای آموزشی-فرهنگی زنان و دختران داشت. در ادامه تعدادی از زنان ایرانی گرد هم آمدند تا موضوع تعلیم و تربیت و موانع پیش‌روی تحصیل زنان را بررسی کنند (رایس، ۱۳۸۳، صص ۱۱۱-۱۱۲). گرچه بسیاری از مخالفان، تأسیس مدرسه برای زنان را خلاف دین می‌دانستند (حبیب‌المتین، س ۱، ش ۱۰۵، یکشنبه ۲۳ رجب ۱۳۲۵، ص ۴)، ولی بعد از تأسیس اولین مدارس دخترانه، مدارس متعددی در کشور به‌وجود آمد (رشدیه، ۱۳۷۰، صص ۳۵ و ۳۹؛ صلاح، ۱۳۸۸، صص ۱۰۹-۱۱۰) و در نقاط مختلف کشور به آموزش دختران پرداخته شد. بعد از مشروطه تلاش برای تحصیل زنان بیشتر گسترش یافت و چندین مدرسه، نشریه و سازمان رفاهی زنانه تأسیس شدند که بر تحصیل زنان و مزایای آن تأکید می‌کردند. یکی از علل مهم این موضوع این بود که مظفرالدین‌شاه برخلاف پدرش با نشر معارف مخالفت نداشت (بزرگ‌امید، ۱۳۶۳، ص ۹۵). از طرفی با تحول اندیشه، احزابی چون دموکرات، در زمینه آموزش زنان مقالاتی می‌نگاشتند و بر لزوم این امر تأکید می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۲، صص ۱۶۰-۱۶۱). البته هنوز مراکزی برای تربیت آموزگاران زن وجود نداشت؛ زیرا تعداد زنان و دختران داوطلب برای تحصیل زیاد نبود. باین‌حال بر لزوم تربیت و آموزش زنان تأکید می‌شد؛ مثلاً در روزنامه شکوفه گفته شد:

«در مملکتی که مادرهای آن‌جا با تربیت باشد، دزدی نمی‌شود، وطن‌فروشی و خیانت

به مال وجود ندارد، بدبختی نخواهد ماند، فقر عمومی از میان مرتفع خواهد شد و...»

(شکوفه، ش ۶، سال اول، ۱۳۳۱ ق، صص ۲۲-۲۳).

نامه بانوان با مقایسه وضعیت زنان در ایران و دیگر ملل متمدن، از وضعیت ناگوار سواد زنان در ایران و لزوم ارتقای آن برای ترقی صحبت کرد و حتی آن را بر تحصیل



مردان مقدم و واجب‌تر دانست و تعلیم نسوان را درمان درد زنان معرفی کرد (نامه بانوان، شماره ۱، اسد ۱۲۹۹، صص ۱-۲). زیان زنان به سردبیری صدیقه دولت‌آبادی نیز با تکیه بر حدیثی از پیامبر اسلام (ص) که «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» می‌نوشت بر همه ایرانیان لازم است که در تربیت اطفال خود، خواه دختر و خواه پسر، بکوشند و به این شکل سایه شوم بدبختی را از سر کشور دور کنند (زیان زنان، سال ۴، شماره ۳، خرداد ۱۳۰۱، صص ۲۱). رفته‌رفته تحول اندیشه درباره موقعیت زنان در قالب مدارس، انجمن‌ها و نشریات انعکاس یافت؛ اگرچه در این راه، چندان موفقیتی به دست نیامد. زنان تقریباً در همه عرصه‌ها به پذیرش موقعیت فرودست خود وادار شده بودند و تا انقراض حکومت قاجار تنها سه درصد از آنان باسواد بودند (Munibar, 1972, p27). بعداز مشروطه، مدافعان حقوق زن (مردان و زنان)، برای تغییر فرهنگ مردسالار دست به اقداماتی زدند و سعی کردند برابری زنان با مردان را به اثبات برسانند (خسروپناه، ۱۳۸۴، صص ۴۲-۴۸)، ولی در این راه، چندان موفقیتی کسب نکردند؛ چون مخالفت‌های داخلی، ناکامی‌های بعداز مشروطه و بحران‌های کشور، مانعی بزرگ بر سر این راه ایجاد کردند.

علاقه زنان به تحصیل سبب شد که آنان در اواخر دوره قاجار صاحب مدرسه اختصاصی شوند و برای نخستین بار در وزارت معارف، اداره تعلیمات نسوان تأسیس شود. مسئله تعلیم و تربیت معلم به سبک نوین از اواخر دوره قاجار مورد توجه نوگرایان و تجددخواهان واقع شده بود و اقداماتی نیز در این راستا انجام شده بود. در این زمان کمبود آموزگار، به‌طور جدی مانع از گسترش و بهبود سریع تسهیلات آموزشی می‌شد (ماتی، ۱۳۸۳، صص ۱۹۱). به‌رحال افزایش تعداد دانش‌آموزان و مدارس و در نتیجه کمبود معلم، وزارت معارف را بر آن داشت که در کنار اعزام جوانان به خارج برای آموختن شغل معلمی، در داخل نیز مرکزی برای این کار ایجاد کند.

دارالمعلمات از جمله مراکز آموزش عالی اواخر دوره قاجار بود که در نتیجه گسترش مدارس جدید و برای تأمین آموزگار برای این مدارس تأسیس شد. این مرکز، همان مدرسه فرانسوی فرانکو پرسیان بود که از چندی قبل به پرورش معلمان می‌پرداخت (سالنامه وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۲۹۷، صص ۷۹ و ۷۷). در سال ۱۲۹۷ ش ۱۹۱۷م مجلس سوم به حکم ضرورت، لایحه تأسیس دارالمعلمات را تصویب کرد (مجموعه مصوبات و قوانین موضوعه مجلس سوم قانونگذاری، ۱۳۱۹، صص ۶۴) و مراکز تربیت معلم صورت قانونی به خود گرفت. این سال از آن جهت مهم بود که دولت رسماً برای اولین بار به تربیت معلم در داخل مملکت پرداخت (صدیق، ۱۳۵۴، صص ۳۶۹). سپس برای اشتغال این معلمان، مدارس متعددی در شهرهای مختلف ایجاد شد. نکته مهم این بود که

۱. برای اطلاع از این روند می‌توانید ر. ک به فتوحی، مریم. (۱۳۸۳). کانون بانوان با رویکردی تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، صص ۹۴-۵۱.



فرهنگ مردم ایران نمی‌پذیرفت که زنان و دختران در کلاس‌هایی حضور یابند که معلمانش مرد باشند؛ بنابراین وجود آموزگار زن امری ضروری شد و در ادامه این روند بود که مرکزی نیز برای تربیت معلم از میان زنان مستعد ایجاد شد. این مهم در سال ۱۲۹۷ش/۱۹۱۷م در زمان ریاست‌الوزرائی وثوق‌الدوله و دوره تصدی نصیرالدوله بر وزارت معارف انجام شد و به این شکل دارالمعلمات شکل گرفت (صدیق، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۱۲۵؛ عالم‌نسون، سال سوم، شماره سوم، صص ۲۰-۲۲). وزارت معارف، ده نفر دختر شاگرد ابتدایی به این مدرسه سپرد تا آنان را برای حرفه معلمی تربیت کنند (سالنامه وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۲۹۷، ص ۳۶). این اقدامات نقشی مهم در افزایش تعداد زنان داوطلب تحصیل و افزایش سطح سواد آنان و در نتیجه بهبود وضعیت آموزشی و فرهنگی زنان داشت.

در فصل دهم نظام‌نامه مدارس گفته شد که مدارس نسوان نمی‌تواند در خانه شخصی برپا شود و باید مکانی مجزا به این امر اختصاص یابد (نظام‌نامه مدارس ابتدایی و متوسطه، ۱۲۹۹، ص ۲۷). مرکز دارالمعلمات از دو شعبه ابتدایی و متوسطه تشکیل شده بود و مدت تحصیل در آن، چهار سال بود و شاگردان آن در سال آخر به یادگیری فن تدریس می‌پرداختند (بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران، ۱۳۵۲، صص ۱۶-۱۷). اولین مقطع تحصیلی در دارالمعلمات تعلیمات ابتدایی بود تا هر مرد و زن ایرانی خواندن و نوشتن و حساب کردن را فرا گیرد و اطلاعاتی مختصر از تاریخ مملکت خود و چگونگی شکل و اوضاع کره زمین و ممالک مختلف جهان پیدا کند. علاوه بر این دانش‌ها، دختران که مادران آینده بودند، علم خانه‌داری را هم فرا می‌گرفتند (هس، ۱۳۰۴، ص ۱۴). تأسیس این مرکز از اقدامات درخشان وزارت معارف بود و هدف از تأسیس آن تأمین کادر آموزشی برای مدارس دخترانه تهران بود (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۶۲). این موضوع از مهم‌ترین اقدامات رسمی و عملی برای دولتی کردن مراکز تربیت معلم زن به‌شمار می‌رفت.

علل و روند تأسیس دانش‌سراهای دخترانه

بسترها و ریشه‌های تأسیس دانش‌سراهای دخترانه در دوره رضاشاه به تصمیم دولت برای گسترش و تغییر نظام آموزشی و لزوم وجود معلم برای مدارس دخترانه و جدایی آنان از مردان برمی‌گشت و همین‌طور نتیجه تلاش مدافعان حضور زن در بیرون از خانه بود. بعد از تأسیس دارالمعلمات، بر ضرورت وجود آموزگار زن، زیاد تأکید می‌شد. طبق اظهارات حبیب‌الله آموزگار:

«تعلیم و تربیت دختران مقدم‌تر و مهم‌تر از تعلیم و تربیت پسران [است] و این قولی است که جمله علمای معرفت‌النفوس برآیند... دختران را از کلاس چهارم به بعد (نه سالگی)،



باید به مدرسه‌ اناث ببرند و در این صورت بهتر تحصیل می‌کنند؛ درحالی که معلمه برای این قسمت نداریم... با تربیت معلم زن، دختران ما که مادران فردای ملت هستند، اگر نه کاملاً با مردان مساوی نگردند، در عرض آنان قرار می‌گیرند و نه در طول و... طریقه تهيئه مادران خوب منحصر و منوط به توجه مخصوص در تربیت و تعليم دختران امروزه به طريق عملي مفيد است و بس» (آموزگار، ۱۳۰۷، صص ۷۷-۸۰).

دارالمعلمات در این زمان، با وجود موانع سنتی و فرهنگی، مخالفت خانواده‌ها، نگاه قدیمی به زن و لزوم کار او در خانه و امور خانه‌داری باز همچنان دایر بود و تعداد زیادی از بانوان از این مرکز فارغ‌التحصیل شدند. طبق گزارش اداره تفتیش (بازرسی) در سال ۱۳۰۸ش تعداد دخترانی که برای آموختن شغل آموزگاری تحصیل می‌کردند ۱۶۹ نفر و تعداد معلمه‌های داخلی و خارجی ۱۵ نفر بوده است (ساکما، ۲۹۷/۶۴۹۱). دارالمعلمات تا اواسط سلطنت رضاشاه، به لحاظ کمی و کیفی چندان تغییری پیدا نکرد و برای تدریس در آن علاوه بر معلمان زنان از معلمان مرد نیز استفاده می‌شد. دارالمعلمات تا ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م جزئی از مدرسه طب بود و پس از آن به اداره صحیه (وزارت بهداشت بعدی) ضمیمه شد (سرمد، ۱۳۷۲، ص ۱۰۹).

با آغاز برنامه دولت‌سازی و وحدت ملی به معنای ایجاد حکومت یکدست و متمرکز، زنان نیز جایگاهی ویژه یافتند. گفته می‌شد که پیشرفت و رفاه هر کشور، به جرئت، به وطن پرستی، و به قربانی شدن افراد هر ملت بستگی دارد و این موضوع به مادران وابسته است (Kashani Sabet, 1999, p189). بنابراین بر نقش نسل‌سازی زنان و ایجاد و تقویت روحیه میهن‌پرستی به وسیله زنان، زیاد تأکید می‌شد و مادران معلمان برای فرزندان خود و پرورش دهندگان شهروندان آینده تلقی می‌شدند (Paidar, 1995, p112).

دولت رضاشاه با تصویب برنامه‌هایی چون استخدام معلمان زن برای تدریس در دارالمعلمات در ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م، ایجاد مدارس متوسطه نسوان در ۱۳۰۷ش/۱۹۲۸م، استخدام معلمان برای تدریس در مدارس دخترانه (ساکما، ۲۹۷/۲۲۵۴۱)، تأسیس پیشاهنگی دختران در ۱۳۱۴ش/۱۹۳۵م و مدارس مختلط دخترانه و پسرانه در این سال (صدیق، ۱۳۵۴، ص ۳۵۵)، گامی دیگر در اجرای پروژه نوسازی برداشت.

از طرفی روشن‌فکران هم به قشر زن توجه زیادی داشتند و تغییر وضعیت آنان را برای پیشرفت کشور، امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌دانستند. آنان با روی کار آمدن رضاشاه، از دولت خواستند که سریعاً پیش‌نویس طرح سوادآموزی زنان را تصویب کند. کسانی چون کسروی، گرچه معتقد بودند خدا زن را برای کار در خانه آفریده است، ولی از حقوق آنان



هم‌چون «رأی و تحصیل» دفاع می‌کرد (کسروی، ۱۳۲۴، صص ۵۴-۵۵). واقعیت این است که تا آن زمان، تسهیلات تعلیم و تربیت برای زنان در نظام آموزشی محدود و توسعه‌نیافته کشور بسیار ناچیز بود. تقی‌زاده شرط اصلی ترقی و تمدن ایران را تربیت و اصلاح حال زن، و تربیت نسوان را راهی برای نجات کشور می‌دانست و تأکید می‌کرد که زنان و دختران باید معلمی را یکی از وظایف مقدس و محترم خود بشمرند. او درمان درد زنان را بسط دایره تعلیم و تربیت و کثرت شمار معلمان و باسوادان این قشر می‌دانست (تقی‌زاده، ۱۳۵۱، ج ۳، صص ۱۴۶-۱۵۰). علی‌اکبر سیاسی در سخنرانی خود در دانش‌سرای عالی بر موضوع برابری قوه عقلانی زن و مرد تأکید کرد و استعداد زنان را ستود (سالنامه دانش‌سرای عالی ۱۳۱۴-۱۳۱۵، ۱۳۱۵، صص ۹۱-۹۳). روی کارآمدن سلسله پهلوی، گرچه آغاز دور تازه‌ای از تاریخ و سرنوشت زن بود، ولی چنان‌که ایوانف اشاره کرده است:

«به زنان اجازه تحصیل در مدارس نوین و شرکت در کار ادارات دولتی داده شد و مدارس مختلط و دخترانه تشکیل گردید، اما عدم تساوی حق و حقوق زن و مرد مانند گذشته در اجتماع و خانواده باقی ماند» (ایوانف، ۱۳۵۶، صص ۸۷-۸۸).

در دهه ۱۳۱۰ش آموزش زنان بیشتر شتاب گرفت و حکومت رضاشاه بی‌اعتنا به مقاومت مخالفان و تعصب مردم در مخالفت با تحصیل زنان، بهبود شایان توجهی در امکانات تحصیلی زنان ایجاد کرد (ماتی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۳). با گنجاندن زنان در برنامه آموزشی و هم‌چنین تأسیس مدارس نوین، تعداد دختران و زنان باسواد افزایش پیدا کرد. این اقدامات هم بر آگاهی زنان می‌افزود و هم آنان را در طرح مطالباتشان تشویق می‌کرد.

یک تفاوت عمده وضعیت زنان در عصر پهلوی با دوره قاجار، افزایش تعداد نشریات زنان بود. این موضوع نقشی عمده در بازتاب مطالبات فرهنگی و اجتماعی زنان داشت. عالم‌نسوان که از مجلات مهم زنان بود، از ۱۳۰۶ش به بعد، از زنان باسواد می‌خواست تا برای رفع بی‌سوادی هم‌جنسان خود کمر همت ببندند (عالم‌نسوان، سال دهم، اردیبهشت ۱۳۰۹، ش ۳، صص ۱۰۳ و ۱۰۴). روزنامه‌ها و مجلاتی چون عالم‌نسوان، دختران ایران، نامه بانوان و... مروج آموزش و رهایی و تغییر وضعیت زنان بودند و در مقالات متعدد، بر آزادی و آموزش زنان تأکید داشتند. نویسندگان این مقالات از دولت می‌خواستند تا «ابواب علم و دانش را بر روی دختران آن دوره و مادران فردا بگشایند» (شفق سرخ، سال ۸، ۱۳۰۸ش، شماره ۱۲۱۲، ص ۳). بنابراین از لحاظ تئوریک هم عرصه برای تغییر وضعیت زنان فراهم شد و بسیاری از نوگرایان علت عقب‌ماندگی ایران را وضعیت و امانده و سنتی زنان و بی‌سوادی آنان دانستند. با تأسیس حکومت پهلوی و مشخص شدن خط‌مشی و برنامه‌هایش برای سلطه بر ارکان قدرت، دست نویسندگان و تجددخواهان عرصه‌های مختلف برای انتقاد از وضعیت

I. Ivanef.



اجتماعی و شغلی زنان و انتشار آثارشان در این زمینه، باز گذارده شد و این موضوع نقشی پررنگ در بسترسازی برای سیاست‌های مربوط به زنان در دهه دوم حکومت پهلوی ایفا کرد. بسیاری از روشن‌فکران و نوگرایان و طرفداران حقوق زن، بر لزوم تغییر موقعیت زنان تأکید داشتند. روشن‌فکرانی چون سیدحسن تقی‌زاده، محمود افشار، احمد کسروی و... بهبود وضعیت زنان و ورود آنان به جامعه را جزئی از برنامه وحدت ملی و تمرکز و یکپارچگی سیاسی می‌دانستند (وحدت، ۱۳۸۱، صص ۱۲۳-۱۴۸).

جنبه مهم دیگری در تجدد دوره رضاشاه، مقابله با ساختار طبقاتی جامعه و تلاش برای برهم‌زدن نظام اجتماعی و اصلاح آن بود. در این زمینه، از همان ابتدا با اقداماتی گوناگون هم‌چون تأسیس مدارس دخترانه، مدارس مختلط، برگزاری مجالس زنانه، روزنامه و نشریه و... سعی بر آن بود تا جایگاه زنان دگرگون شود. در این دوره بر موقعیت والای زن و نقش کلیدی‌اش در توسعه کشور تأکید می‌شد و گفته می‌شد که خوشبختی و بدبختی جامعه از آن زنان است و لذا کامیابی یا ناکامی هر ملت با زنان آغاز می‌شود (Kashani Sabet, 1999, pp189-190). ورود زنان به حوزه‌های آموزشی و اجتماعی را باید یکی از کوشش‌های برنامه‌ریزان دولت مطلقه (سلطنت رضاشاه) در راه سکولاریسم تلقی کرد. در این دوره برای حضور زنان در عرصه‌های تحصیلی اقداماتی متعدد انجام شد (اکبری، ۱۳۸۴، صص ۲۳۷) که تأسیس دانش‌سراهای دخترانه، یکی از مهم‌ترین این اقدامات به‌شمار می‌رفت. زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، در نتیجه تبعیضی که در فرهنگ و آداب و رسوم و عرف و شرع جامعه ریشه داشت، از حضور در بسیاری از بخش‌های جامعه محروم بودند.

دولت جدید خواستار نظارت دقیق‌تر و بیشتری بر زنان بود و نظام آموزشی راهی برای تحقق این مهم به‌شمار می‌رفت و گشودن دانش‌سرا برای زنان تلاشی برای ادغام آنان در ساختار جدید و اشاعه ایدئولوژی پهلوی در جامعه زنان بود. تمرکز و نظارت دولت بر این جمعیت (زنان) هم، مدنظر شاه و مشاورانش بود (ساتن، ۱۳۳۵، صص ۴۰۱؛ رکنی، ۱۳۳۳، صص ۲۸-۲۹). دولت با اقدامات فرهنگی برای نیل به این هدف مهم و کلیدی تلاش می‌کرد. نوگرایان و طرفداران تجدد آمرانه، زنان را با مردان برابر و لایق سواد، تحصیل و کار می‌دانستند و این موضوع در مجلات و مجامع روشن‌فکری نیز بازتاب پیدا می‌کرد (انتخابی، ۱۳۹۰، صص ۱۸۴-۱۸۶). در نتیجه بسترسازی دانش‌سراهای دخترانه که مراکزی تخصصی برای تربیت معلمان زن بودند، فراهم شد.

علاوه بر مطالبات خود زنان و تلاش‌های فکری و عملی طرفداران حقوق زن، موضوع مهم دیگری هم که نقشی پررنگ در تأسیس دانش‌سراهای دخترانه داشت، تعلیم و تربیت دختران و زنان، و کمبود آموزگار زن برای مدارس دخترانه بود. در این زمان به زنان به‌عنوان

شهروند نگریسته می‌شد و برای گسترش فرهنگ، به آموزش و سواد آنان توجه ویژه می‌شد (Arasteh, 1962, pp 50-54). دومین کنگرهٔ نسوان شرق به دعوت جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران به ریاست مستوره افشار و با حضور نمایندگان کشورهای ایران، ژاپن، ترکیه، هندوستان، سوریه و مصر از ۶ تا ۱۱ آذرماه ۱۳۱۱ش / ۲۷ نوامبر تا ۲ دسامبر ۱۹۳۲م در تالار وزارت معارف برگزار شد (صدیق، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۳۰۵). در این نشست دربارهٔ نحوهٔ حضور زنان در جامعه و تعلیم و تربیت مستقل زنان و تأسیس مدرسه برای آنان مطالبی ایراد شد (نهضت نسوان شرق، ۱۳۸۴، ص ۳۲۹). یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای تعلیم و تربیت بانوان، تأسیس دانش‌سراهای دخترانه بود که به صورت مستقل و جدای از مردان به تربیت زنان آموزگار پردازد؛ چون با افزایش مدارس دخترانه و در نتیجه افزایش دختران داوطلب تحصیل، به اندازهٔ کافی زنان آموزگار برای آموزش زنان وجود نداشت (رستم‌کلایی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۵). تا اواسط دورهٔ رضاشاه تعداد زیادی از بانوان فارغ‌التحصیل شده بودند؛ طبق جدول زیر:

سال تحصیلی	دورهٔ ابتدایی	دورهٔ متوسطه
۱۳۰۶-۱۳۰۷ش	۷۶۲ نفر	۴۰ نفر
۱۳۰۷-۱۳۰۸ش	۱۰۲۹ نفر	۶۶ نفر
۱۳۰۸-۱۳۰۹ش	۱۱۲۹ نفر	۴۸ نفر

جدول ۱

تعداد فارغ‌التحصیلان زن دورهٔ ابتدایی و متوسطه ۱۳۰۶-۱۳۰۸ش (حصائیهٔ معارف، ۱۳۰۸، صص ۱۴۳-۱۴۴).

در سال ۱۳۰۸ تعداد کل آموزگاران زن در ایران، در دورهٔ شش‌سالهٔ ابتدایی مدارس دولتی و غیردولتی تهران ۴۷۵ نفر و در مقطع متوسطه ۱۶۴ نفر بود (حصائیهٔ معارف، ۱۳۰۸، ص ۱۳۲). تا سال ۱۳۱۲ش / ۱۹۳۴م تعداد زنان آموزگار به ۲۳۵ نفر رسید (سالنامهٔ وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۳۱۲، ص ۸۸). تعداد دانش‌آموزان دختر در سال ۱۳۱۳ش / ۱۹۳۵م در مدارس تهران ۴۵۷۸ نفر بود (آموزش و پرورش، سال چهارم، شمارهٔ ۱، فروردین ۱۳۱۳، ص ۶۴) و در کل کشور به ۴۲۵۴۵ نفر رسید (بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران، ۱۳۵۲، ص ۱۲۶). افزایش تعداد زنان و دختران داوطلب تحصیل عامل مهمی بود که دولت را برآن داشت تا در کنار دانش‌سراهای مقدماتی پسرانه، برای دختران نیز دانش‌سرای مقدماتی تأسیس کند. زمینه برای تأسیس دانش‌سراهای مقدماتی دختران در نیمهٔ دوم سلطنت رضاشاه فراهم شد. ابتدا قانون تأسیس دانش‌سراهای مقدماتی در ۱۹ اسفندماه ۱۳۱۲ش / ۱۰ مارس ۱۹۳۴م به تصویب مجلس شورای ملی رسید. طبق مادهٔ اول این قانون:

«دولت مکلف است از اول فروردین سال ۱۳۱۳ تا مدت پنج سال، ۲۵ باب



دانش سرای مقدماتی پسرانه و یک باب دانش سرای مقدماتی دخترانه، در تهران و در ولایات تأسیس نماید» (مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره نهم تقنینیه، ۱۳۲۹، ص ۲۶۷).

با تصویب این قانون ۱۷ ماده‌ای، هم بر حق و حقوق معلم و هم بر تعلیم و تربیت جدید و کنار گذاشتن سبک و سیاق سنتی در زمینه آموزش تأکید شد. این مصوبه تلاشی بود برای بهبود کیفیت تدریس از طریق ایجاد کلاس برای آموزگاران و همین طور اقدامی در راه تشویق جوانان به انتخاب شغل معلمی.

از طرفی به منظور ترغیب و تشویق دانش آموزان دانشسراهای مقدماتی برای رقابت و کوشش بیشتر، وزارت معارف قانون مربوط به پذیرش فارغ‌التحصیلان مقدماتی را در دانشسراهای عالی به تصویب رساند (یوسفی و دیگران، ۱۳۵۶، ص ۱۲۸). سپس برای رسیدگی به امور آموزش دانشسراهای مقدماتی دختران اداره‌ای به نام اداره دانشسرا در وزارت فرهنگ تأسیس شد (آموزش و پرورش، سال نهم، شماره یازدهم و دوازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۱۸، ص ۱۲۱). تأسیس دانشسراهای مقدماتی دخترانه نیز در نتیجه قانون تربیت معلم و آئین نامه تأسیس دانشسراهای دختران مصوب ۱۶ شهریور ۱۳۱۵ در مجلس شورای ملی و اساس نامه اختصاصی دانشسراهای دخترانه مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۱۵ ش/۳ نوامبر ۱۹۳۶ م شورای عالی معارف، در ده ماده به تصویب رسید. طبق این مصوبه گفته شد: دانشسراهای دخترانه در نقاطی که دانشسرای پسران دایر شده است، تأسیس خواهد شد. بنابراین دانشسرای اختصاصی دختران، فرزند بلافصل قانون تربیت معلم بود و طبق این قانون، دولت موظف شد که دانشسراهای دخترانه را نیز تأسیس کند. داوطلبان دانشسراهای دخترانه باید تعهد خدمتی می سپردند (سالنامه و آمار ۱۳۱۵-۱۳۱۶ و ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش، ۱۳۱۷، ص ۵۷۰). همگامی سیاست‌های دولت با تغییر موقعیت زنان و تکاپوی فعالان حقوق زن، در این زمینه نیز مؤثر بود. به هر حال نکته مهم این است که تا این زمان، با وجود فعالیت دارالمعلمات، تعداد زنان معلم در کشور معدود بود و در ادامه بیشتر به این موضوع توجه شد و برای زنان و دختران نیز مدارس بیشتری به وجود آمد و دانشسرای مخصوص آنان ایجاد شد. نام دارالمعلمات در اواسط دوره سلطنت رضاشاه به دانشسرای مقدماتی دختران تغییر پیدا کرد (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۶۶). از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اقدامات دوره رضاشاه در حوزه نظام آموزشی کشور، ایجاد دانشسراهای دخترانه بود. هدف از این قانون تحصیل مرد و زن و ورود آنان به دانشسرای عالی و دانشگاه بود. طبق پیش‌بینی‌های به عمل آمده در ماده اول قانون تأسیس دانشسرا، در سال ۱۳۱۴ ش یک دانشسرای عالی دخترانه در تهران و پنج دانشسرای مقدماتی دخترانه در ولایات باید ساخته می شد (سالنامه وزارت معارف،

اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۳۱۲، ص ۲۲۴). این موضوع به معنای سازمان‌دهی آموزش و تحصیل زنان بود.

آثار و تبعات تأسیس دانش‌سراهای دخترانه بر وضعیت فرهنگی و آموزشی زنان

طبق اهداف دولت از تأسیس دانش‌سراها این نهاد آموزشی نقشی پررنگ در وضعیت زنان داشت و به طرق مختلف زمینه را برای ارتقای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی زنان فراهم می‌کرد. دانش‌سراهای مقدماتی دختران آموزشگاه‌هایی بودند که دو هدف اصلی را تعقیب می‌کردند: تکمیل معلومات عمومی دانش‌آموزان؛ تربیت و آماده‌کردن آنان برای فن‌آموزگاری طبق روش آموزش و پرورش (صحیحی، ۱۳۱۸، ص ۲۳). این مراکز طی چند سال فعالیتشان تا سقوط رضاشاه، تغییراتی در وضعیت زنان به وجود آوردند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

ارتقای سطح تحصیلات دختران

اولین و شاید مهم‌ترین پیامد تأسیس و کار دانش‌سرا برای دختران، افزایش سطح سواد آنان بود. ایجاد دارالمعلمات و سپس دانش‌سرای دخترانه منجر به سازمان‌دهی عملکرد مدارس دخترانه و گسترش آموزش ابتدایی و متوسطه در بین دختران شد (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳، ص ۱۶۷). همگام با برنامه‌های دولتی در ایجاد ایران مدرن، با اصلاح در امر آموزش، مدارس متعدد ابتدایی و متوسطه در کشور به وجود آمد که دختران هم در آن‌ها تحصیل می‌کردند. گشایش مدارس مختلط و تحصیل دختران در مدارس گامی دیگر در آموزش زنان بود که بر تعداد تحصیل‌کردگان زن افزود. در جدول زیر، آمار تعداد دختران فارغ‌التحصیل از مقطع ابتدایی تا اواخر دوره رضاشاه، نشان داده می‌شود:

سال تحصیلی	فارغ‌التحصیلان دختر مدارس ابتدایی
۱۳۰۴ ش	۲۸۰ نفر
۱۳۰۵	۴۵۱
۱۳۰۶	۶۴۹
۱۳۰۷	۷۶۲

جدول ۲

تعداد دختران فارغ‌التحصیل از مقطع ابتدایی تا اواخر دوره رضاشاه (سال‌نامه آماری وزارت فرهنگ...، ۱۳۱۷، صص ۲۷۹-۲۸۰).



سال تحصیلی	فارغ التحصیلان دختر مدارس ابتدایی
۱۳۰۸	۱۰۲۹
۱۳۰۹	۱۱۲۹
۱۳۱۰	۱۳۸۴
۱۳۱۱	۱۴۰۳
۱۳۱۲	۱۷۳۰
۱۳۱۳	۱۸۶۶
۱۳۱۴	۲۲۵۳
۱۳۱۵	۲۴۶۵
۱۳۱۶	۳۳۶۷
۱۳۱۷	۳۹۳۰

ادامه جدول ۲

تعداد دختران فارغ التحصیل از مقطع ابتدایی تا اواخر دوره رضاشاه (سالنامه آماری وزارت فرهنگ...، ۱۳۱۷، صص ۲۷۹-۲۸۰).

در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ش/۱۹۳۶-۱۹۳۷م در دبیرستان‌های دخترانه کشور ۴۲۱۷ نفر مشغول تحصیل بودند که ۴۹۹ نفر از آن‌ها فارغ التحصیل شدند. در سال بعد تعداد دختران مشغول به تحصیل در دبیرستان‌های دخترانه کشور ۵۴۴۵ نفر بود که ۵۵۲ نفر از آن‌ها مدرک تحصیلی دریافت کردند (سالنامه و آمار...، ۱۳۱۷، صص ۵۰-۵۱). از این به بعد همواره بر تعداد داوطلبان تحصیل در میان زنان و دختران و در نتیجه بر میزان تحصیل و سواد آنان افزوده می‌شد. در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م تعداد دختران مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی، ۸۱۹۷۷ نفر بود (آمار آموزش و پرورش: ۱۳۵۵، صص ۵۳-۵۴).

این موضوع راه را برای تحصیلات عالی هموار کرد. پس از تأسیس دانشگاه تهران، برخی از زنان و دخترانی که تحصیلات دانش‌سرا را به اتمام رسانده بودند، به دانشگاه راه یافتند. وزارت فرهنگ به دخترانی که در دانش‌سراها درس خوانده بودند، اجازه می‌داد تا در دانشگاه تهران ثبت نام کنند (ساکما، ۲۹۷/۱۱۰۳۴). راه‌یابی به دانشگاه و ادامه تحصیل در سطح عالی، از دیگر پیامدهای ایجاد دانش‌سراهای دخترانه برای زنان بود که در دوره پهلوی

دوم هم، با شدت بیشتر ادامه یافت. طبق جدول زیر، آمار دانشجویان دختر در سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ ش/۱۹۴۰-۱۹۴۱ م در دانشگاه تهران بدین صورت بود:

رشته تحصیلی	تعداد دانشجویان	رشته تحصیلی	تعداد دانشجویان
ادبیات فارسی	۱۲ نفر	علوم طبیعی	۵ نفر
بستان‌شناسی	۳	فیزیک و شیمی	۲
تاریخ و جغرافیا	۴	خانه‌داری	۱۵
زبان خارجه	۲۶	مخصوص ادبی	۳۰
فلسفه و علوم تربیتی	۱۰	مخصوص علمی	۵
علوم ریاضی	۳	دکتری ادبیات فارسی	۳
جمع کل: ۱۱۸ نفر			

جدول ۳

آمار دانشجویان دختر در سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ ش/۱۹۴۰-۱۹۴۱ م در دانشگاه تهران (سالنامه دانش‌سرای عالی ۱۳۱۹-۱۳۲۰، ۱۳۲۰، ص ۱۸۹).

دانش‌سراها با رونق کار مدارس دخترانه زمینه ارتقای آگاهی زنان را فراهم کردند و زنان راحت‌تر از قبل توانستند به بدنه نظام آموزشی راه پیدا کنند. دانش‌سراهای دخترانه نقشی عمده در دانش‌دوستی زنان و دختران داشت. این نهاد، بزرگ‌ترین دستاورد فرهنگی حکومت رضاشاه در ارتقای فکری زنان بود (بیزدانی، ۱۳۷۸، ص ۵۳). بعد از ایجاد دانش‌سرا، زنان از وزارت معارف خواستند تا مدارسی با معلمان تربیت‌شده برای زنان ایجاد شود. آنان برای پیشرفت کار خود، درخواست تجهیزات بهتر و ارسال معلمان بیشتر و باکفایت‌تر را هم داشتند و از این وزارت‌خانه خواستند که مساعده و کمک مالی نیز به آنان داشته باشد (ساکما، ۲۶۰۸۱/۲۹۷). وزارت معارف نیز موافقت کرد و هیئتی را برای بازرسی و اطلاع از وضعیت مدارس دخترانه اعزام کرد (ساکما، ۲۸۹۱۷/۲۹۷). افزایش سطح آگاهی فردی و اجتماعی زنان و آموختن حرفه‌ها و هنرهای مختلف از دیگر اثرات دانش‌سراها بر زنان تحصیل‌کرده بود. با بررسی مواد درسی دانش‌سراهای دخترانه روشن می‌شود که آنان چگونه درس زندگی را فرامی‌گرفتند. دروس پرورشی و ادبی از جمله روان‌شناسی و اخلاق، دروس علمی به‌ویژه در زمینه بهداشت و هم‌چنین دروس عملی به افزایش آگاهی زنان در امور مختلف فردی و اجتماعی کمک می‌کرد. طبق جدول زیر دروس عملی در دانش‌سراهای دخترانه عبارت بودند از:



جدول ۴

دروس عملی هفتگی در دانشسراهای
دخترانه (دهقان، ۱۳۲۹، ص ۹۸).

سال اول	سال دوم	مواد درسی عملی دانشسرای دخترانه
۱ ساعت	۱ ساعت	نقاشی و رسم
۲	۲	موسیقی و سرود
۲	۲	تربیت بدنی و پیشاهنگی
۱	۱	کشاورزی
-	۵	آموزگاری

دختران مدارس متوسطه نیز، حرفه‌های متعددی را فرا می‌گرفتند و به‌شکل عملی درس زندگی و نحوه انجام امور خانه‌داری را می‌آموختند. در دوره دوم متوسطه، دروس مرتبط با حرفه‌های زنانه بیشتر بود و به‌صورت عملی در این زمینه‌ها آموزش داده می‌شد. این دروس هفتگی عبارت بودند از:

دروس	سال چهارم		سال پنجم	
	درس	عملیت	درس	عملیت
بچه‌داری	۲	-	۲	-
پرستاری	-	-	۲	-
خانه‌داری	۱	۳	۱	۱
خیاطی	۱	۳	۱	۲
صنایع دستی	-	۱	-	۱
نقش‌ی	-	۱	-	۱
طباخی	۱	۳	۱	۳
موسیقی	۱	-	۱	-
جمع ساعت	۶	۱۱	۸	۸

جدول ۵

میزان ساعت دروس عملی هفتگی در
دوره دوم متوسطه زنان در سال ۱۳۱۸
(آموزش و پرورش، سال نهم، شماره هفتم
و هشتم، مهر و آبان ۱۳۱۸، ص ۱۵۳).



تا قبل از تأسیس دانش‌سراها و آموزش دختران زیر نظر معلمان زن آموزش دیده در دانش‌سرا، این مواد درسی و روش آموزش برای زنان ناشناخته بود؛ بنابراین از این نظر دانش‌سرا درس زندگی و شیوه مدیریت خانه‌داری را هم به زنان می‌آموخت و با ارسال صورت این مواد درسی به ولایات مختلف سعی داشت تا مهارت‌های مذکور را به دختران ولایات هم آموزش دهد (ساکما، ۲۹۷/۱۵۷۲۹).

تأمین و تربیت آموزگاران زن

دیگر نتیجه مهم تأسیس دانش‌سرا، افزایش تعداد زنان آموزگار آموزش دیده بود. با تأسیس دانش‌سرای دخترانه آموزگاران زن در مراکز مخصوص به خود آموزش می‌دیدند. تصویب قانون دانش‌سرا انقلابی در فرهنگ ایران ایجاد کرد و معلم شدن شریطی خاص پیدا کرد (سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). در این قانون گفته شد که تا چند سال آینده چندین دانش‌سرای دخترانه باید در کشور ساخته شود و دستور آن به وزارت معارف داده شد (تجدد/ایران، ۱۸۰۲، ۱۸ دی ۱۳۱۴، ص ۱). تا سال ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷م تعداد کل دانش‌سراهای کشور به ۱۱ باب رسید (ساکما، ۲۹۷/۸۱۵). این دانش‌سراها در شهرهای ارومیه، تبریز، رشت، مشهد، کرمان، شیراز، بیرجند، اهواز، همدان، اصفهان و کرج ساخته شده بودند (آموزش و پرورش، سال هفتم، شماره ۹-۱۰، آذر و دی ۱۳۱۶، صص ۵۶۳-۵۶۴). این آمار در اواخر دوره رضاشاه بدین شکل بود: در سال تحصیلی ۱۳۱۸ ش/۱۹۳۹م در تهران ۱ باب و در شهرستان‌ها ۱۴ باب دانش‌سرای دخترانه وجود داشت و در سال بعد (۱۳۱۹ ش/۱۹۴۰م) این رقم در تهران هم چنان ثابت ماند، ولی در شهرستان‌ها به ۱۵ باب رسید؛ بنابراین در مجموع تعداد ۱۶ باب دانش‌سرای دخترانه در کشور وجود داشت (ساکما، ۲۹۷/۱۳۹۵۰). با افزایش تعداد دانش‌سراهای دخترانه تعداد معلمان زن نیز افزایش یافت. در سال‌های پایانی سلطنت رضاشاه، دختران با گذراندن دوره دوساله دانش‌سرا فارغ‌التحصیل می‌شدند و مجوز آموزگاری دریافت می‌کردند. طبق جدول زیر:

سال	تهران	شهرستان‌ها	تعداد کل - نفر
۱۳۱۷ ش	۲۰	۹۹	۱۱۹
۱۳۱۸ ش	۲۸	۱۳۵	۱۶۳
۱۳۱۹ ش	۲۸	۱۲۵	۱۵۳

جدول ۶

تعداد دختران فارغ‌التحصیل از دانش‌سرا در اواخر سلطنت رضاشاه (دهقان، ۱۳۲۹، ص ۱۰۵).



با افزایش تعداد دانش‌سراهای دخترانه، هر ساله بر تعداد زنان آموزگار در کشور افزوده می‌شد. در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ ش و ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش / ۱۹۳۶-۱۹۳۷ م و ۱۹۳۷-۱۹۳۸ م، تعداد آموزگاران زن در مدارس ابتدایی دولتی به ترتیب ۱۴۴۱ و ۱۸۴۳ نفر بود (سالنامه و آمار...، ۱۳۱۷، صص ۲۶۴-۲۶۵). تعداد دبیران زن در دبیرستان‌های دخترانه نیز در این سال‌ها به ترتیب ۳۳۱ و ۳۸۲ نفر بود (سالنامه و آمار...، ۱۳۱۷، صص ۵۰-۵۱). تعداد ۵۰ نفر زن هم در دانش‌سراهای دخترانه در حال تدریس بودند (سالنامه و آمار...، ۱۳۱۷، صص ۲۶۵). در آمار دیگری طبق گزارش وزارت فرهنگ، در سال ۱۳۱۸ ش / ۱۹۳۹ م تعداد دختران مشغول به تحصیل در دانش‌سراهای تهران ۳۶۵ نفر و در دانش‌سراهای شهرستان‌ها ۳۳۱ نفر و در سال ۱۳۱۹ ش / ۱۳۴۰ م در تهران ۱۵۴ نفر و در شهرستان‌ها ۴۳۱ نفر بوده‌است (ساکما، ۲۹۷/۱۲۰۷۶). علت کاهش تعداد دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در دانش‌سراهای مقدماتی دختران در تهران در سال ۱۳۱۹ ش، به درستی مشخص نیست؛ ولی این آمار در سال بعد مجدداً در تهران افزایش پیدا کرده‌است. در سال ۱۳۲۰ ش / ۱۹۴۱ م تعداد ۵۴۸ دختر در مراکز دانش‌سرای مقدماتی دخترانه کشور مشغول تحصیل بودند (بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران، ۱۳۵۲، صص ۲۵)؛ از این تعداد ۲۵۴ نفر در تهران مشغول تحصیل بودند که ۱۹۰ نفر از آنان در امتحانات نهایی قبول شدند (آموزش و پرورش، سال یازدهم، شماره نهم و دهم، آذر و دی، ۱۳۲۰، صص ۲۰). البته در آن دوران به معلمان زن نصف هم‌تایان مرد حقوق داده می‌شد (Paidar, 1995, p109). اکثر زنانی هم که امکان تحصیل و کار پیدا کرده بودند، از طبقات متوسط به بالای جامعه بودند.

افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان

دیگر نتیجه مهم عملکرد دانش‌سرا بر وضعیت زنان و دختران امکان ورود آنان به سامانه اداری کشور بود. با افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان مدارس و مراکز عالی در دوره رضاشاه، دولت این افراد را در وزارتخانه‌های مختلف جذب می‌کرد (ادیبی، ۱۳۵۸، صص ۸۶-۸۷). زنان پس از اتمام تحصیل و دریافت مدرک به ادارات مراجعه و برای استخدام تقاضا می‌کردند. بعد از آموزش زنان در دانش‌سراها و آمادگی آنان برای شغل معلمی، عده‌ای از معلمین زن برای معلمی در مدارس ابتدایی و متوسطه تهران در وزارت فرهنگ استخدام شدند (ساکما، ۲۹۷/۲۵۸۴۳). بنابراین تلاش برای مشارکت در عرصه اجتماع، از دیگر دستاوردهای عملکرد دانش‌سراها برای زنان بوده‌است. پرونده‌های فراوانی درباره دختران فارغ‌التحصیل از دانش‌سراها وجود دارد که برای اشتغال در اداره معارف درخواست داده‌اند تا هم کاری مفید انجام داده باشند و هم وقتشان را تلف نکرده باشند (ساکما، ۲۹۷/۴۲۹۹۴). در

دوره رضاشاه دیوان‌سالاری نوینی به‌لحاظ کارکنان، اهداف، ادارات و فعالیت‌ها به‌وجود آمد؛ به‌گونه‌ای که نظام اداری کشور هفده برابر رشد کرد و دولتی که عبارت بود از مجموعه‌ای بی‌نظم از مستوفیان خودمختار، منشیان و میرزاهای طی سلطنت رضاشاه به چندین وزارت‌خانه با کارمندان ثابت حقوق‌بگیر تبدیل شد و در واقع از بوروکراسی به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت استفاده شد. گفتنی است که بخش عمده این کارکنان، از زنان تحصیل‌کرده مدارس نوین‌پاد بودند که زیر نظر معلمان آموزش دیده در دانش‌سراها تحصیل کرده بودند.

به‌دلیل تغییر روش‌های استخدام ضرورت داشت که زنان هم در مدارس تازه‌تأسیس به تحصیل بپردازند. با تصویب قانون ایجاد تربیت‌معلم و دانش‌سراها به زنان هم توجه شد و با ایجاد دانش‌سراها و هنرستان‌ها، زنان هم برای کارهای اداری آماده و تربیت شدند (یغمایی، ۱۳۵۵، صص ۴۶۱-۴۶۴). تأسیس دارالمعلمات و دانش‌سراها زمینه‌ای را فراهم کرد تا زنان هم بتوانند به کار در خارج از خانه بپردازند. اشتغال زنان یکی از شاخصه‌های حقوق اقتصادی-اجتماعی زنان و از جنبه‌های مدرنیسم به‌شمار می‌رفت. در دوره پهلوی اول، از حضور زن در برخی از مشاغل و ادارات برای تظاهر به نوگرایی استفاده می‌شد (طغرانگار، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹). تا قبل از این زمان، گزینه‌های شغلی اندکی برای زنان وجود داشت و مشاغلی را که در آمریکا و اروپا برعهده زنان بود -از جمله پرستاری، منشی‌گری، آموزگاری و...- در ایران مردان انجام می‌دادند (رستم‌کلایی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۵).

از جمله مطالبات زنان این بود که با مردان از حق و حقوق برابر برخوردار شوند و در تعیین مقدرات کشور سهیم باشند (شفق‌سرخ، سال ۸، ۱۳۰۸ش، شماره ۱۱۷۶، ص ۳). با وجود این گرچه زنان در این دوره ورود به قلمروهای آموزشی و نیروی کار را آغاز کردند (فوران، ۱۳۸۸، ص ۳۵۹) و در دهه ۱۳۱۰ش در مدارس متوسطه تهران معلمین زن هم استخدام شدند (ساکما، ۲۹۷/۲۵۸۴۳)، ولی همچنان موانع داخلی زیادی بر سر راه استخدام زنان وجود داشت؛ از جمله این که بخش عمده مردم بر عدم ضرورت سواد زنان در سطح عالی تأکید می‌کردند.

استخدام زنان در دولت علاوه بر موانع با تناقضاتی هم روبه‌رو بود؛ از جمله آن که زنان فقط برای مشاغلی خاص در نظر گرفته می‌شدند. طبق سندی در این زمینه، برای عدم استخدام زنان در ادارات دولتی به‌جز شغل معلمی و اداره آموزش و پرورش، بخشنامه صادر شده است (ساکما، ۲۹۷/۱۳۲۷). مسئولان به این نتیجه رسیده بودند که زنان در اداره معارف بهتر از هر اداره دیگری می‌توانند کار کنند. ولی کمی بعد در نتیجه ناامنی در کشور با اعزام معلمان زن از تهران به استان‌های دیگر مخالفت شد. علی‌دهقان در این زمینه تصریح می‌دارد:

«در بخش‌ها و دهستان‌ها که به آموزگار احتیاج زیاد هست، نمی‌توان از وجود



فارغ‌التحصیلی‌های دختران استفاده نمود؛ زیرا وضع اجتماعی نقاط مزبور طوری
نیست که یک نفر دختر بی‌سرپرست بتواند در آن‌جاها آموزگاری نماید» (دهقان،
۱۳۲۹، ص ۹۷).

به‌علت اوضاع فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه ایران، زنان تحصیل کرده بیشتر در
مدارس به معلمی و در بیمارستان‌ها به پرستاری می‌پرداختند و در دیگر ادارات نوساز دولتی
پذیرفته نمی‌شدند. در بسیاری از شهرها و ولایات دور از پایتخت هم، عمده زنان و دختران
به مدارس راه نمی‌یافتند و تحصیل را کاری مختص به پسران می‌دانستند؛ بنابراین پسران
بیشتر به تحصیل می‌پرداختند. این واکنش‌ها که در ساختار فکری و فرهنگی مردم ایران ریشه
داشت، تا حد زیادی همگام با گرایش‌ها و پارادایم‌های مردسالاری حکومت، در جلوگیری از
توسعه تحصیل زنان تأثیری شگرف داشت.

اشتغال زنان در نظام اداری و آموزشی از مهم‌ترین ویژگی‌های تجدد به‌شمار می‌رفت
و به‌معنای تغییر در جایگاه و موقعیت زنان بود و به‌این ترتیب زنان هم می‌توانستند در برخی
ادارات و مناصب در کنار مردان به‌کار بپردازند (بهنام، ۱۳۷۵، ص ۱۶۷). استخدام در دولت به
پیدایش طبقه متوسط جدید غیر سرمایه‌دار منجر شد که زنان کارمند هم جزئی از آن بودند.
البته به‌دلیل قدرت مذهب، تا پیش از شهریور ۱۳۲۰ ش حضور زنان در ادارات و اجتماع فقط
به طبقات اعیان محدود بود (اتحادیه و دیگران، ۱۳۹۰، صص ۲۷۶ و ۲۷۷؛ فوران، ۱۳۸۸،
ص ۳۵۹)؛ آموزش نیز بنابه عللی چون تمرکز در پایتخت و هم‌چنین فقر مردم و مخالفت
گروه‌های سنتی، بیشتر حالت نخبگانی داشت تا توده‌ای (مناشری، ۱۳۹۷، صص ۱۸۱-۱۸۳).
آرتور میلسپو^۱ که برای اصلاح سامانه اداری-مالی به ایران آمده بود، در این زمینه تصریح
می‌کند:

«هیچ‌گاه فرصتی به‌دست نیامده تا با خانمی ایرانی ملاقات و صحبت بنمایم؛ چون
آنان در محیط اجتماعی و اداری‌ای که در آن به‌سر می‌برم، نقشی ندارند و جز
معدودی از زنان که به‌صورت معلم مدارس دخترانه و یا پرستار خدمت می‌کنند،
هیچ‌زنی در استخدام ادارات نیست» (میلسپو، ۱۳۵۶، صص ۱۲۸-۱۲۹).

البته این گزارش چندان هم دقیق نیست؛ چون وزارت مالیه در ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷ م طی
بخشنامه‌ای بر استخدام زنان در آن وزارت‌خانه تأکید کرده (ساکما، ۲۴۰/۳۴۱۰۶) و در
سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۱۸ ش/۱۹۳۷-۱۹۳۹ م بر لزوم جذب و به‌کارگیری زنان فارغ‌التحصیل از
دانش‌سراهای دخترانه صحه گذارده‌است (ساکما، ۲۴۰/۴۹۴۰۳). در جدول زیر آمار استخدام
زنان در ادارات دولتی قید شده‌است:

1. Arthur Millspaugh.

اداره	راه‌آهن دولتی ایران	پست، تلگراف و تلفن	وزارت بهداری	وزارت کشاورزی	وزارت فرهنگ	سال
	-	-	-	-	۶	۱۳۰۱ش
	-	-	۲	-	۱۱	۱۳۰۲ش
	-	-	-	۱	۸	۱۳۰۳ش
	-	-	۱	-	۱۱	۱۳۰۴ش
	-	-	۱	-	۲۴	۱۳۰۵ش
	-	۱	-	-	۲۱	۱۳۰۶ش
	-	-	۱	-	۳۵	۱۳۰۷ش
	-	-	۱	۱	۳۰	۱۳۰۸ش
	-	-	۵	-	۳۵	۱۳۰۹ش
	-	-	۳	-	۳۶	۱۳۱۰ش
	۱	۱	۳	-	۴۷	۱۳۱۱ش
	۲	-	۱۴	۱	۵۲	۱۳۱۲ش
	-	۳	۱۳	۱	۶۹	۱۳۱۳ش
	۲	۱۰	۲۸	۳	۱۶۶	۱۳۱۴ش
	۵	۱۴	۲۴	۷	۲۹۳	۱۳۱۵ش
	۵	۱۴	۳۱	۱۲	۲۹۷	۱۳۱۶ش
	۷	۱۴	۴۷	۵	۲۹۱	۱۳۱۷ش
	۱۶	۱۴	۴۸	۴	۳۴۵	۱۳۱۸ش
	۲۱	۳۱	۷۸	۱۵	۵۳۴	۱۳۱۹ش
	۲۴	۲۵	۶۷	۷	۳۷۰	۱۳۲۰ش

جدول ۷

آمار استخدام زنان در چند اداره و وزارت خانه طی سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۲۰ش (شماره آمار کارمندان دولت، ۱۳۲۵، جدول شماره ۳).

البته زنانی که در وزارت معارف استخدام شدند، همه به آموزگاری نپرداختند و در امور اداری و اجرایی نیز مشغول شدند. زنان بیشتر در دو وزارت خانه معارف و بهداری و شغل



آموزگاری و پرستاری، و عمدتاً در تهران استخدام شدند. گرچه برتری در این حوزه هم‌چنان با مردان بود، ولی این موضوع از این نظر اهمیت داشت که برای اولین بار قشر کارمند زن در کشور شکل گرفته بود. به‌هر حال اشتغال نقش پررنگی در تغییر موقعیت زنان و بهبود کیفیت زندگی آنان داشت. اشتغال زنان در این دوره برنامه‌ای دولتی بود که از طرق مختلف زمینه حضور زنان را در اجتماع فراهم کرد و تأسیس دانش‌سراها و مدارس دخترانه که زمینه تحصیل آنان را فراهم کرد، یکی از علل اصلی نیل به این هدف بود.

نتیجه

زنان و مسائل مرتبط با آنان، از جمله امور آموزشی و فرهنگی آن‌ها، در سال‌های قبل و به‌ویژه بعد از مشروطیت حساسیت خاصی را به‌وجود آورده بود. در دوره رضاشاه، تحت تأثیر تحولات سیاسی-اجتماعی، گرایش‌های غربی و سکولاریسم و تحقق ایدئولوژی پهلویسم به این موضوع توجهی ویژه شد. در نیمه دوم سلطنت رضاشاه، در نتیجه سیاست‌های دولت و تلاش‌ها و تکاپوهای زنان و مدافعان حقوق زنان اقداماتی گسترده برای این قشر از جامعه انجام شد؛ از جمله تأسیس دانش‌سراهای دخترانه که قبل از هر چیز اقدامی برای تأمین و تربیت معلمان زن به‌شمار می‌رفت. بعد از مشروطه تأسیس دارالمعلمات و شکل سازمان‌یافته آن، دانش‌سراهای دخترانه، بخشی از پروژه تجدید دولتی و تلاشی در راه مبارزه با ساختار سنتی و شرعی تعلیم و تربیت بود و هدف این بود که مدارس دخترانه نیز به‌مانند مدارس پسرانه آموزگاران خود را داشته باشند. دانش‌سراهای دخترانه که محلی برای ارتقای تحصیلی زنان به‌شمار می‌رفت، ثمره عملی تلاش‌های فکری اندیشه‌گران طرفدار حق زن بود و سبب رشد آموزشی، فرهنگی و اجتماعی زیادی برای زنان شد؛ از جمله سبب افزایش تعداد معلمان، تحصیل کردگان و فارغ‌التحصیلان دختر شد.

ورود به عرصه نظام اداری جدید و شکل‌گیری قشر جدید کارمندان، از دیگر پیامدهای تأسیس دانش‌سراهای دخترانه بود. آموزش زنان لازمه اجتماعی شدن آنان و کسب پست‌ها و مقامات مختلف بود. آموزش، هم در شهری شدن زنان و هم در اولین ورودشان به بدنه دیوان‌سالاری کشور نقشی مهم داشت. سیاست دولت در زمینه آموزش و اشتغال زنان، کنترل دولت بر زنان را افزایش داد.

بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی مدرن با ساختار و فکر جامعه ایران هم‌خوانی نداشت و سیاست‌گذاری فرهنگی دوره رضاشاه درباره زنان، بر برنامه مشخص و واحدی مبتنی نبود. هم‌چنین گرچه تأسیس دانش‌سراهای دخترانه به ارتقای آموزشی-فرهنگی زنان کمک‌شایانی کرد و باعث ترفیع و آگاهی بخشی از آنان شد، ولی این اقدام هم‌چون دیگر سیاست‌های

مربوط به زنان، چندان توجهی به رویکردهای عمومی و زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی نمی‌کرد. موضوع راه‌یابی زنان و دختران به دانش‌سرا عمومیت نداشت و تنها شامل بخش معدودی از زنان در تهران و برخی شهرستان‌ها شد و اکثریت زنان در بی‌سوادی ماندند و در زمینه اشتغال، تحصیل و مشارکت عمومی، برتری هم‌چنان با مردان ماند. هم‌چنین چون تعداد دانش‌سراهای دخترانه در کشور چندان زیاد نبود و نیاز مدارس دخترانه به آموزگار و دبیر زن را برآورده نمی‌کرد، در بسیاری از مراکز آموزشی دخترانه، هم‌چنان معلمان مرد به تدریس مشغول بودند.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): اسناد شماره ۲۹۷/۱۱۰۳۴؛ ۲۹۷/۱۲۰۷۶؛ ۲۹۷/۱۳۳۷؛ ۲۹۷/۱۳۹۵؛ ۲۹۷/۱۵۷۲۹؛ ۲۹۷/۲۲۵۴۱؛ ۲۹۷/۲۵۸۴۳؛ ۲۹۷/۲۶۰۸۱؛ ۲۹۷/۲۸۹۱۷؛ ۲۴۰/۳۴۱۰۶؛ ۲۹۷/۴۲۹۹۴؛ ۲۴۰/۴۹۴۰۳؛ ۲۹۷/۸۱۱۵؛ ۲۹۷/۶۴۹۱

کتاب

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۲). *ایران بین دو انقلاب*. (محمدابراهیم فتاحی و احمد گل محمدی، مترجمان). تهران: نی. آموزگار، حبیب‌الله. (۱۳۰۷). *اصلاحات اجتماعی محتوی مفاسد اجتماعی ما و علاج آن‌ها*. تهران: سیروس. اتحادیه، منصوره و دیگران. (۱۳۹۰). *زن در تاریخ ایران معاصر (از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی)*. مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی زن در تاریخ ایران معاصر دانشگاه زنجان، ۱۵ تا ۱۷ اسفند ۱۳۸۳.

تهران: کویر.

احصائیه معارف. (۱۳۰۸). *قوانین و مقررات*. تهران: مطبعه روشنایی.

ادیبی، حسین. (۱۳۵۸). *طبقه متوسط جدید در ایران*. تهران: جامعه.

اکبری، محمدعلی. (۱۳۸۴). *تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی اول)*. تهران: علمی و فرهنگی.

انتخابی، نادر. (۱۳۹۰). *ناسیونالیسم و تجدد در ایران و ترکیه*. تهران: نگاره آفتاب.

ایوانف، م. س. (۱۳۵۶). *تاریخ نوین ایران*. (هوشنگ تیزابی، مترجم). تهران: طوفان.

بامداد، بدرالملوک. (۱۳۴۷). *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*. (ج ۱). تهران: ابن‌سینا.

بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران. (۱۳۵۲). (عباس خاقانی، کوشش‌گر). تهران: دانشکده علوم اجتماعی.

بزرگ‌امید، ابوالحسن. (۱۳۶۳). *از ماست که بر ماست*. تهران: دنیای کتاب.



- بهنام، جمشید. (۱۳۷۵). *ایرانیان و اندیشهٔ تجدد*. تهران: فرزانه روز.
- تقی زاده، سیدحسین. (۱۳۵۵). *مقالات تقی زاده*. (ج ۳). (ایرج افشار، ناظر). تهران: کتابخانهٔ ملی ایران.
- حکمت، علی اصغر. (۱۳۵۵). *سی خاطره از عصر فرخندهٔ پهلوی*. تهران: وحید.
- خسرویناه، محمدحسین. (۱۳۸۴). *هدف‌ها و مبارزهٔ زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*. تهران: پیام امروز.
- خلیلی خو، محمدرضا. (۱۳۷۳). *توسعه و نوسازی ایران در دورهٔ رضاشاه ۱۲۹۱-۱۳۲۰* ش. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- دهقان، علی. (۱۳۲۹). *تربیت معلم در کشورهای فرانسه-انگلستان-ایران*. تهران: چاپخانهٔ دانشگاه.
- رایس، کلارا کولیور. (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان: سفرنامهٔ کلارا کولیور رایس*. (اسدالله آزاد، مترجم). تهران: کتابدار.
- رشدیه، فخرالدین. (۱۳۷۰). *زندگی‌نامهٔ پیر معارف رشدیه: بنیان‌گذار فرهنگ نوین ایران*. تهران: هیرمند.
- رکنی، علی. (۱۳۳۳). *سازمان‌های فرهنگی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ساتن، الول. (۱۳۳۵). *رضاشاه کبیر یا ایران نو*. (عبدالعظیم صبوری، مترجم). تهران: علمی.
- سالنامه و آمار ۱۳۱۵-۱۳۱۶* ش و *۱۳۱۶-۱۳۱۷* ش. (۱۳۱۷). تهران: شرکت سهامی چاپ.
- سالنامهٔ آماری وزارت فرهنگ، سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷*. (۱۳۱۷). تهران: مطبعهٔ روشنایی.
- سالنامهٔ دانش‌سرای عالی (۱۳۱۴-۱۳۱۵)*. (۱۳۱۵). تهران: مطبعهٔ روشنایی.
- سالنامهٔ دانش‌سرای عالی (۱۳۱۹-۱۳۲۰)*. (۱۳۲۰). تهران: مطبعهٔ روشنایی.
- سالنامهٔ وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه*. (۱۲۹۷). تهران: مطبعهٔ مجلس.
- سالنامهٔ وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه*. (۱۳۱۲). تهران: مطبعهٔ مجلس.
- ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴). *جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷*. (نوشین احمدی خراسانی، مترجم). تهران: اختران.
- سرمه، غلام‌علی. (۱۳۷۲). *اعزام محصل به خارج از کشور (در دورهٔ قاجاریه)*. تهران: بنیاد.
- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). *یک زندگی سیاسی: خاطرات دکتر علی‌اکبر سیاسی*. تهران: ثالث.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۲). *یادگار عمر*. (ج ۲). تهران: طهوری.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۳). *یادگار عمر*. (ج ۳). تهران: امیرکبیر.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۴). *تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر*. تهران: دانشگاه تهران.
- صلاح، مهدی. (۱۳۸۸). *کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها*. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- طغرناگار، حسن. (۱۳۸۳). *حقوق سیاسی-اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فتحی، مریم. (۱۳۸۳). *کانون بانوان با رویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت‌های زنان در ایران*. تهران:

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.

فوران، جان. (۱۳۸۸). *مقاومت شکننده*. (احمد تدین، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.

کسروی، احمد. (۱۳۲۴). *امروز چاره چیست*. بی‌جا: توگا.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*. (منوچهر صبوری کاشانی، مترجم). تهران: نی.

مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره نهم تقنینیه. (۱۳۲۹). تهران: مجلس.

مجموعه مصوبات و قوانین موضوعه مجلس سوم قانونگذاری. (۱۳۱۹). تهران: چاپخانه مجلس.

محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۰). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. (ج ۱). تهران: انتشارات دانشگاه

تهران.

مرکز آمار سازمان برنامه و بودجه دوران پهلوی. (۱۳۵۵). *آمار آموزش و پرورش*. تهران: برنامه و بودجه.

مناشری، دیوید. (۱۳۹۷). *نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن*. (محمدحسین بادامچی و عرفان مصلح،

مترجمان). تهران: سینا.

میلسپو، آرتور. (۱۳۵۶). *مأموریت آمریکایی‌ها در ایران*. (حسین ابوترابیان، مترجم). تهران: پیام.

نشریه آمار کارمندان دولت. (۱۳۳۵). وزارت کشور: آمار عمومی. تهران: سازمان برنامه.

نظام‌نامه مدارس ابتدایی و متوسطه. (۱۲۹۹). تهران: وزارت معارف و صنایع و اوقاف مستظرفه.

نهضت نسوان شرق. (۱۳۸۴). (غلام‌رضا سلامی و افسانه نجم‌آبادی، کوشش‌گران). تهران: شیرازه.

وحدت، فرزین. (۱۳۸۱). *رویارویی فکری ایران با مدرنیته*. (مهدی حقیقت‌خواه، مترجم). تهران: ققنوس.

یغمایی، اقبال. (۱۳۳۵). *کارنامه رضاشاه کبیر بنیانگذار ایران نوین*. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ

و هنر.

یوسفی، منصور؛ علی دوستی، محمدعلی؛ دانش‌پژوه، زهرا. (۱۳۵۶). *تربیت معلم در پنجاه سال شاهنشاهی*

پهلوی. تهران: دانشگاه تربیت معلم.

مقاله

اتحادیه، منصوره؛ فصیحی، سیمین؛ عاملی رضایی، مریم. (۱۳۸۷). «تاریخ‌نگاری زنان». *کتاب ماه تاریخ و*

جغرافیا، ش ۲۷۱، صص ۲۲-۳۳.

رستم‌کلایی، یاسمین. (۱۳۸۳). «آموزش زنان»: بخش چهارم از کتاب *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*.

(مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران: جامی، صص ۲۳۳-۲۸۸.

شیخ‌رضایی، انسیه. (۱۳۷۱). «مدارس فرانسوی در ایران». *گنجینه اسناد*، ش ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۱، صص

۹۵-۱۰۹.

صحیحی، حبیب‌الله. (۱۳۱۸). «تربیت فنی دانش‌آموزان در دانش‌سراها». *آموزش و پرورش*، سال نهم، شماره

دوم، دی‌ماه ۱۳۱۸، صص ۲۳-۲۶.



لمبتون، آن. اس. (۱۳۶۸). «زمینه‌های دگرگونی اجتماعی در ایران در قرن نوزدهم میلادی». چاپ شده در کتاب *در زمینه‌ی ایران شناسی*. (چنگیز پهلوان، مترجم). تهران: میهن، صص ۱۰۴-۱۶۵.

ماتی، رودی. (۱۳۸۳). «آموزش و پرورش در دوره رضاشاه». چاپ شده در کتاب *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*. (مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران: جامی، صص ۱۸۷-۲۱۹.

هس، آندره. (۱۳۰۴). «راپورت مسیو آندره هس - معلم حقوق اقتصادی (در باب تشکیلات تعلیم در ایران)». *تعلیم و تربیت*، دوره اول، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۰۴، صص ۱۳-۲۱.

یزدانی، مرضیه. (۱۳۷۸). «تأسیس دارالمعلمات (دانش‌سرای دختران) و تحصیلات بانوان». *گنجینه اسناد*، شماره ۳۵-۳۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۴۷-۸۱.

روزنامه و نشریه

آموزش و پرورش، سال چهارم، شماره ۱، فروردین ۱۳۱۳، ص ۶۴.

آموزش و پرورش، سال هفتم، شماره ۹-۱۰، آذر و دی ۱۳۱۶، صص ۵۶۳-۵۶۴.

آموزش و پرورش، سال نهم، شماره هفتم و هشتم، مهر و آبان ۱۳۱۸، ص ۱۵۳.

آموزش و پرورش، سال نهم، شماره یازدهم و دوازدهم. بهمن و اسفند ۱۳۱۸، صص ۱۲۱-۱۲۲.

آموزش و پرورش، سال یازدهم، شماره نهم و دهم، آذر و دی ۱۳۲۰، ص ۲۰.

تجدد ایران، شماره ۱۸۰۲، ۱۸ دی ۱۳۱۴، ص ۱.

حبل‌المتین، سال ۱، شماره ۱۰۵، یکشنبه ۲۳ رجب ۱۳۲۵، ص ۴.

زیان زنان، سال ۴، شماره ۳، خرداد ۱۳۰۱، ص ۲۱.

شفق سرخ، سال ۸، ۱۳۰۸ ش، شماره ۱۱۷۶، ص ۳.

شفق سرخ، سال ۸، ۱۳۰۸ ش، شماره ۱۲۱۲، ص ۳.

شکوفه، ش ۶، سال اول، ۱۳۳۱ ق، صص ۲۲-۲۳.

عالم نسوان، سال سوم، شماره سوم، صص ۲۰-۲۲.

عالم نسوان، سال دهم، اردیبهشت ۱۳۰۹، ش ۳، صص ۱۰۳ و ۱۰۴.

نامه بانوان، شماره ۱، اسد ۱۲۹۹، صص ۱-۲.

منابع انگلیسی

Arasteh, Reza. (1962). *Education and Social Awakening in Iran 1850-1960*. Leiden, E. J. Brill, Preis brosch.

Kashani Sabet, Firuveh. (1999). *Frontier Fictions: Shaping the Iranian National*. Princeton University Press.



Munibar, Rahman. (1972). "Movement For The Emancipation Of Women In Persia".

Bulletin of Institute of Islamic Studies, No 1, pp 17-45.

Paidar, Parvin. (1995). *Women and the Political Process in Twentieth-Century Iran*.

Cambridge University Press.

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives

Organization of Iran):

Document numbers: 297/11034, 297/12076, 297/1327, 297/13950, 297/15729,

297/22541, 297/25843, 297/26081, 297/28917, 240/34106, 297/42994, 240/49403,

297/6491, 297/15729. [Persian]

Books

Abrahamian, Ervand. (1382/2003). "*Irān bein-e do enqelāb*" (Iran between two revo-

lutions). Translated by Mohammad Ebrahim Fattahi & Ahmad Golmohammadi.

Tehran: Ney. [Persian]

Adibi, Hossein. (1358/1979). "*Tabaqe-ye motevasset-e jadid dar Irān*" (The new mid-

dle class in Iran). Tehran: Jāme'e. [Persian]

Akbari, Mohammad Ali. (1384/2005). "*Tabār-šenāsi-ye hoviāt-e jadid-e Irāni: Asr-e*

Qājārieh va Pahlavi-ye avval" (Genealogy of the new Iranian identity: Qajar era

and the first Pahlavi). Tehran: 'Elmi Farhangi. [Persian]

"*Āmār-e āmuzeš va parvareš: Markaz-e āmār-e sāzmān-e barnāmeḥ va budje-ye*

dowrān-e Pahlavi" (Education statistics: Statistics center of planning and budget

organization in Pahlavi era). (1355/1976). Tehran: Barnāmeḥ va Budjeh (Plan-

ning and Budget Organization). [Persian]

Amuzgar, Habibollah. (1307/1928). "*Eslāhāt-e ejtemā'ee-ye mohtavi-ye mafāsed-e*

ejtemā'ee-ye mā va alāj-e ān-hā" (Social reforms containing social corruptions

and their remedy). Tehran: Sirius. [Persian]

Arasteh, Reza. (1962). *Education and social awakening in Iran 1850-1960*. Leiden, E.



- J. Brill, Preis brosch.
- Bamdad, Badr Al-Molouk. (1347/1968). *“Zan-e Irāni az enqelāb-e mašrutiat tā enqelāb-e sefid”* (The study of status of women in Iran from the constitutional movement to the White revolution) (vol. 1). Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- “Barresi-ye tahavvolāt-e āmuzeš o parvareš-e Irān”* (Investigating the developments of education in Iran). (1352/1973). Edited by Abbas Khaghani. Tehran: Dāneškade-ye ‘Olum-e Ejtemāee (Faculty of Social Sciences). [Persian]
- Behnam, Jamshid. (1375/1996). *“Irāniān va andiše-ye tajaddod”* (Iranians and the idea of modernity). Tehran: Farzān Ruz. [Persian]
- Bozorg Omid, Abu Al-Hassan. (1363/1984). *“Az māst ke bar māst”* (Memories and observations of Abu Al-Hassan Bozorg Omid). Tehran: Donyā-ye Ketāb. [Persian]
- Dehghan, Ali. (1329/1950). *“Tarbiat-e mo’allem dar kešvar-hā-ye Farānseh-Engelestān- Irān”* (Teacher training in France – England - Iran.). Tehran: Čāp-xāne-ye Dānešgāh. [Persian]
- Ehsaeeye-ye Ma’aref. “Qavānin va moqarrarāt”*. (1308/1929). (Laws and regulations). Tehran: Matbae-ye Rošanāyi. [Persian]
- Entekhabi, Nader. (1390/2011). *“Nāsyonālism va tajaddod dar Irān va Torkieh”* (Nationalism and modernity in Iran and Turkey). Tehran: Negāre-ye Āftāb. [Persian]
- Ettehadieh, Mansoureh, et al. (1390/2011). *“Zan dar tārix-e Irān-e mo’āser, az enqelāb-e mašruteh tā enqelāb-e eslāmi: Majmou’e maqālāt-e seminar-e beinol-melali-ye zan dar tārix-e Irān-e mo’āser Dānešgāh-e Zanjān, 15 tā 17 Esfand 1383”* (Women in the history of contemporary Iran (From the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution): Proceedings of the International Seminar on Women in the history of contemporary Iran, Zanjan University, March 6-17, 2010). Tehran: Kavir. [Persian]
- Fathi, Maryam. (1383/2004). *“Kānun-e bānovān bā ruykardi be riše-hā-ye tārixī-ye harekat-e zanān dar Irān”* (Women’s Circle with an approach to the historical roots of women’s movements in Iran). Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt-e Tārix-e Mo’āser (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies). [Persian]



- Foran, John. (1388/2009). *“Moqāvemāt-e šekanandeh”* (Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Giddens, Anthony. (1373/1994). *“Jāme’e-šenāsi”* (Sociology). Translated by Manouchehr Sabouri Kashani. Tehran: Ney.
- Hekmat, Ali Asghar. (1355/1976). *“Si xātereh az asr-e farxonde-ye Pahlavi”* (Thirty memories from the blissful Pahlavi era). Tehran: Vahid. [Persian]
- Ivanov, Mikhail Sergeevich. (1356/1977). *“Tārix-e novin-e Irān”* (новая история Ирана) [The new history of Iran]. Translated by Houshang Tizabi. Tehran: Tufān. [Persian]
- Kashani Sabet, Firuveh. (1999). *Frontier fictions: Shaping the Iranian national*. Princeton University Press.
- Kasravi, Ahmad. (1324/1945). *“Emruz čāreh čīst”* (What is the solution today). (n. p.): Tugā. [Persian]
- Khalilikhou, Mohammad Reza. (1373/1994). *“Towse’eh va now-sāzi-ye Irān dar dowre-ye Rezā Šāh 1299-1320 šamsi”* (Development and modernization of Iran during the reign of Reza Shah in 1920-1941). Tehran: Jahād Dānešgāhi-ye Dānešgāh-e Šahid Beheshti (Academic Center for Education, Culture and Research, Shahid Beheshti University). [Persian]
- Khosropanah, Mohammad Hossein. (1384/2005). *“Hadaf-hā va mobāreze-ye zan-e Irāni az enqelāb-e maršuteh tā saltanat-e Pahlavi”* (The goals and struggles of Iranian women from the Constitutional Revolution to the reign of Pahlavi). Tehran: Payām-e Emruz. [Persian]
- Mahboubi Ardakani, Hossein. (1370/1991). *“Tārix-e mo’assesāt-e tamaddoni-ye jadid dar Irān”* (History of the new civilization organizations in Iran) (vol. 1). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- “Majmou’e qavānin-e mowzu’e va masā’el-e mosavvabe-ye dowre-ye nohom-e taqinieh”* (The collection of laws codified and issues approved by the ninth legislative assembly). (1329/1950). Tehran: Majles. [Persian]
- “Majmou’e-ye mosavvabāt va qavānin-e mowzu’e-ye majles-e sevvom-e qānun-*



- gozāri*" (Collection of approvals and laws codified by the third legislative assembly). (1319/1940). Tehran: Čāp-xāne-ye Majles. [Persian]
- Menashri, David. (1397/2018). "*Nezām-e āmuzeši va sāxtan-e Irān-e modern*" (Education and the making of modern Iran). Translated by Mohammad Hossein Badamchi & Erfan Mosleh. Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- Millspaugh, Arthur Chester. (1356/1977). "*Ma'muriat-e Āmrīkā-yi-hā dar Irān*" (Americans in Persia). Translated by Hossein Abu Torabian. Tehran: Payām. [Persian]
- "*Našrie-ye āmār-e kārmandān-e dowlat*" (Journal of government employees' statistics). (1335/1956). Vezārat-e Kešvar: Āmār-e 'Omumi (Ministry of Interior: General statistics). Tehran: Sāzmān-e Barnāmeḥ (Planning and Budget Organization). [Persian]
- "*Nehzat-e nesvān-e šarq*" (Movement of eastern women). (1384/2005). Edited by Gholam Reza Salami & Afsaneh Najmabadi. Tehran: Širāzeh. [Persian]
- "*Nezām-nāme-ye madāres-e ebtedāyi va motevasseteh*" (The precept of primary and secondary schools). (1299/1920). Tehran: Vezārat-e Ma'āref, Owqāf va Sanāye'-e Mostazrafēh (Ministry of Education, Endowment and Fine Industries). [Persian]
- Paidar, Parvin. (1995). *Women and the political process in twentieth-century Iran*. Cambridge University Press.
- Rice, Clara Coliver. (1383/2004). "*zanān-e Irāni va rāh o rasm-e zendegi-e ānān: Safarnāme-ye Kelārā Koliver Rāis*" (Persian women & their ways: The experiences and impressions of a long sojourn amongst the women of the land of the shah with an intimate description of their characteristics, customs and manner of living). Translated by Asadollah Azad. Tehran: Ketābdār. [Persian]
- Rokni, Ali. (1333/1954). "*Sāzmān-hā-ye farhangī-ye Irān*" (Cultural organizations of Iran). Tehran: Enteshārāt-e Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran Press). [Persian]
- Roshdieh, Fakhr Al-Din. (1370/1991). "*Zendegi-nāme-ye pir-e ma'āref-e Rošdieh: Bonyān-gozār-e farhang-e novin-e Irān*" (Life of the old sage of Roshdieh: Founder of modern Iranian culture). Tehran: Hirmand. [Persian]

- Salah, Mahdi. (1388/2009). *“Kašf-e hejāb, zamin-hā, peyāmad-hā va vākoneš-hā”* (Kashf-e Hijab (removing of Hijab), backgrounds, sequences, and reactions). Tehran: Mo’assese-ye Motālē’āt va Pažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- “Sāl-nāmeḥ va āmār-e 1315-1316 šamsi va 1316-1317 šamsi”* (Yearbook and statistics of 1936-1937 and 1937-1938). (1317/1938). Tehran: Šerkat-e Sahāmi-ye Čāp. [Persian]
- “Sāl-nāme-ye āmāri-ye Vezārat-e Farhang, sāl-e tahsili-ye 1316-1317”* (Statistical yearbook of the Ministry of Culture, school year 1937-1938). (1317/1938). Tehran: Matba’-ye Rošanāyi. [Persian]
- “Sāl-nāme-ye Dāneš-Sarā-ye ‘Āli 1314-1315”* (Yearbook of the Teacher Training University). (1317/1938). Tehran: Matba’-ye Rošanāyi. [Persian]
- “Sāl-nāme-ye Dāneš-Sarā-ye ‘Āli 1319-1320”* (Yearbook of the Teacher Training University). (1320/1941). Tehran: Matba’-ye Rošanāyi. [Persian]
- “Sāl-nāme-ye Vezārat-e Ma’āref, Owqāf va Sanāye’-e Mostazrafeḥ”* (Yearbook of the Ministry of Education, Endowment and Fine Industries). (1297/1918). Tehran: Matba’-ye Majles. [Persian]
- “Sāl-nāme-ye Vezārat-e Ma’āref, Owqāf va Sanāye’-e Mostazrafeḥ”* (Yearbook of the Ministry of Education, Endowment and Fine Industries). (1312/1933). Tehran: Matba’-ye Majles. [Persian]
- Sanasarian, Eliz. (1384/2005). *“Jonbeš-e hoquq-e zanān dar Irān: Toqyān, oful va sarkub az 1280 tā enqelāb-e 57”* (The women’s rights movement in Iran: Mutiny, appeasement, and repression from 1900 to Khomeini, 1982). Translated by Noushin Ahmadi Khorasani. Tehran: Axtarān. [Persian]
- Sarmad, Gholam Ali. (1372/1993). *“E’zām-e mohassel be xārej az kešvar dar dowre-ye Qājārieh”* (Sending students abroad during the Qajar period). Tehran: Bonyād. [Persian]
- Sedigh, Isa. (1352/1973). *“Yādgār-e omr”* (A memento of life) (vol. 2). Tehran: Tahmouri. [Persian]
- Sedigh, Isa. (1353/1974). *“Yādgār-e omr”* (A memento of life) (vol. 3). Tehran: Amir

- Kabir. [Persian]
- Sedigh, Isa. (1354/1975). "*Tārix-e farhang-e Irān az āqāz tā zaman-e hāzer*" (History of Iranian culture). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Siasi, Ali Akbar. (1386/2007). "*Yek zendegi-e siāsi: Xāterāt-e doktor Ali Akbar-e Siāsi*" (A political life: Memoirs of Dr. Ali Akbar Siyasi). Tehran: Sāles. [Persian]
- Sutton, Elwell. (1335/1956). "*Rezā Šāh-e kabir yā Irān-e no*" (Reza Shah or new Iran). Translated by Abd Al-Azim Sabouri. Tehran: 'Elmi. [Persian]
- Taghizadeh, Seyyed Hassan. (1351/1972). "*Maqālāt-e Taqizādeh*" (Taghizadeh's articles) (vol. 3). Supervised by Iraj Afshar. Tehran: Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (National Library of Iran). [Persian]
- Toghranegar, Hassan. (1383/2004). "*Hoquq-e siāsi-ejtemā'ee-ye zanān qabl va ba'd az enqelāb-e eslāmi-ye Irān*" (Women's socio-political rights before and after the Islamic Revolution of Iran). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Islamic Revolution Document Center). [Persian]
- Vahdat, Farzin. (1381/2002). "*Ruyāruyi-ye fekri-ye Irān bā moderniat*" (God and jaggernaut: Iran's intellectual encounter with modernity). Translated by Mahdi Haghghatkhah. Tehran: Qoqnus. [Persian]
- Yaghmaei, Eghbal. (1355/1976). "*Kārnāme-ye Rezā Šāh-e kabir bonyān-gozār-e Irān-e novin*" (The report records of Reza Shah Kabir, the founder of modern Iran). Tehran: Edāre-ye Kol-le Negāreš-e Vezārat-e Farhang va Honar (General Department of Printings and Press, Ministry of Culture and Arts). [Persian]
- Yousefi, Mansour; Alidousti, Mohammad Ali & Daneshpajuh, Zahra. (1356/1977). "*Tarbiat-e mo'allem dar panjāh sāl šāhanšāhi-ye Pahlavi*" (Teacher training in the fifty-year reign of the Pahlavi dynasty). Tehran: Dānešgāh-e Tarbiat-e Mo'allem (Teacher Training University). [Persian]

Articles

- Ettehadieh, Mansoureh; Fasihi, Simin & Ameli Rezayi, Maryam. (1387/2008). "Tārix-negāri-ye zanān" (Women's historiography). *Ketāb-e Māh-e Tārix va Joqrāfiā*, 127, pp. 22-23. [Persian]



- Hesse, André. (1304/1925). "Rāport-e musio Āndre Hes - mo'alle-m-e hoquq-e eqtesādi: Dar bāb-e taškīlāt-e ta'lim dar Irān" (Rapport de Monsieur André Hess - professeur de droit économique: Sur l'éducation en Iran) [Report by Mr André Hess - professor of economic law: On education in Iran]. *Ta'lim o Tarbiat*, 1 (2) (Ordibehešt 1304/May 1925), pp. 13-21. [Persian]
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1368/1989). "Zamine-hā-ye degarguni-ye ejtemāee dar Irān dar qarn-e nuzdahom-e milādī" (The dynamics of social change in Iran in the nineteenth century). In Changiz Pahlavan (Trans.), "*Dar zamīne-ye Irān-šenāsi*" (An anthology of Iranian studies) (pp. 104-165). Tehran: Mihan. [Persian]
- Matthee, Rudi. (1383/2004). "Āmuzeš va parvareš dar dowre-ye Rezā Šāh" (Transforming dangerous nomads into useful artisans, technicians, agriculturists: Education in the Reza Shah period). In Morteza Saghebfar (Trans.), "*Rezā Šāh va šeklgiri-ye Irān-e novīn*" (The making of modern Iran: state and society under Riza Shah, 1921-1941) (pp. 187-219). Tehran: Jāmi. [Persian]
- Munibar, Rahman. (1972). "Movement for the emancipation of women in Persia". *Bulletin of Institute of Islamic Studies*, No. 1, pp. 17-45.
- Rostam-Kolayi, Jasamin. (1383/2004). "Āmuzeš-e zanān" (Expending agendas for the "new" Iranian woman: Family law, work, and unveiling). In Morteza Saghebfar (Trans.), "*Rezā Šāh va šeklgiri-ye Irān-e novīn*" (The making of modern Iran: state and society under Riza Shah, 1921-1941) (pp. 233-288). Tehran: Jāmi. [Persian]
- Sahihi, Habibollah. (1318/1939). "Tarbiat-e fanni-ye dāneš-āmuzān dar daneš-sarā-hā" (Technical training of students at teacher training universities). *Āmuzeš va Parvareš*, 9 (10) (Dey 1318/January 1940), pp. 23-26. [Persian]
- Sheikh Rezaei, Ensieh. (1371/1992). "Madāres-e Farānsavi dar Irān" (French schools in Iran). *Ganjine-ye Asnād*, 7 & 8 (Fall & Winter 1371/1992), pp. 95-109. [Persian]
- Yazdani, Marzieh. (1378/1999). "Tāsis-e dār-ol-mo'alle-māt (daneš-sarā-ye bānovān) va tahsilāt-e bānovān" (Establishment of the Female Teacher Training College (Girls' College) and women's education). *Ganjine-ye Asnād*, 35-36, (Fall & Win-

ter 1378/1999), pp. 47-81. [Persian]

Press

“Āmuzeš va Parvareš” (Amuzesh Parvareh Journal), year 4, issue 1, Farvardin 1313/
April 1934, p. 64. [Persian]

“Āmuzeš va Parvareš” (Amuzesh Parvareh Journal), year 7, issue 9 & 10, Āzar- Dey
1316/December 1937-January 1938, p. 563-564. [Persian]

“Āmuzeš va Parvareš” (Amuzesh Parvareh Journal), year 9, issue 7 & 8, Mehr - Ābān
1318/October - November 1939, p. 153. [Persian]

“Āmuzeš va Parvareš” (Amuzesh Parvareh Journal), year 9, issue 11 & 12, Bahman -
Esfand 1318/February - March 1939, p. 121-122. [Persian]

“Āmuzeš va Parvareš” (Amuzesh Parvareh Journal), year 11, issue 9 & 10, Āzar- Dey
1320/ December 1941-January 1942, p. 20. [Persian]

“Tajaddod-e Irān” (Tajaddod Newspaper), issue 1802, 18 Dey 1314/9 January 1936, p.
1. [Persian]

“Habl-ol-matin” (Habl al-Matin Newspaper), year 1, issue 105, Sunday, 23 Rajab 1325/1
September 1907, p. 4.

“Zabān-e zanān” (The Voice of Women), year 4, issue 3, Xordād 1301/June 1922, p. 21.
[Persian]

“Šafaq-e sorx” (Shafagh-e Sorkh Newspaper), year 4, issue 3, Xordād 1301/June 1922,
p. 21. [Persian]

“Šafaq-e sorx” (Shafagh-e Sorkh Newspaper), year 4, issue 3, Xordād 1301/June 1922,
p. 21. [Persian]

“Šokoufeh” (Shokoufeh Journal), year 1, issue 6, 1331 SH/ 1913, p. 22-23. [Persian]

“Ālam-e nesvān” (Alame Nesvan Journal), year 3, issue 3, p. 20-22. [Persian]

“Ālam-e nesvān” (Alame Nesvan Journal), year 10, issue 3, Ordibehešt 1309/May 1930,
p. 103-104. [Persian]

“Nāme-ye bānovān” (Name-i-Banovan Magazine), issue 1, Asad 1299/August 1920, p.
1-2. [Persian]

